

بررسی جامعه‌شناختی رابطه دین و توسعه

سیده فاطمه کافی

دانشجوی کاشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

Email: Kafi_2485@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد جامعه‌شناختی به بررسی رابطه بین دین و توسعه پرداخته است.

آنچه در اینجا مدنظر قرار گرفته، پاسخ به ابهاماتی است که همواره در بحث رابطه بین دین و توسعه مطرح بوده و منجر به اختلافات فراوانی در این حوزه گردیده است. هر یک از نظریه پردازان دینی و اجتماعی، با توجه به زمینه فکری و تخصصی خود سعی داشته‌اند تا دین و توسعه را منافی هم و یا همسو با هم جلوه دهند. بدین ترتیب، سؤالاتی که در این میان مطرح می‌شود این است که آیا دین با توسعه در تعارض و تضاد است یا اینکه با آن همسو و هم جهت است؟ آیا دین می‌تواند عامل انحطاط و عقب ماندگی جوامع باشد؟ آیا سکولار شدن جوامع و به حاشیه راندن دین از زندگی روزمره، عاملی در جهت رشد و پیشرفت جوامع غربی است؟ آیا می‌توان دین را فی نفسه عامل رشد و توسعه جوامع دانست؟ یا شاید هم برداشتی که جوامع در دوران مختلف تاریخی بنا بر شرایط و مقتضیات موجود خود از دین داشته‌اند، منجر به پیشرفت و یا عقب ماندگی آنها شده است. در این نوشتار تلاش شده تا با تحلیل دیدگاه‌های جامعه‌شناسانی چون ماکس وبر، کارل مارکس و هابرماس به این سؤالات پاسخ داده شود.

واژه‌های کلیدی: دین، توسعه، ماکس وبر، کارل مارکس، هابرماس